

## شاهکارهای ادبی

- ۴ -

حذف يك يا دویا چند حرف از حروف الفباء در نظم و نثر فارسی و عربی زیاد دیده می شود و از جمله آثار فارسی که این هنر نمایی در آنها بکار برده شده است قصیده رائیه رشید و طواط در مدح علاء الدوله اتسرمی باشد که در آن حرف الف وجود ندارد و مطلع آن این بیت است :

خسرو ملك بخش كشور گیر      که ز خلقش بعدل نیست نظیر  
قصیده منجيك ترمذی هم با مطلع :

زلفین بر شکسته وقد صنوبری      زیر دوزلف جمدش دو خط عنبری  
محدوف الالف است و قصیده میمیه ادیب صابر ترمذی در مدح مؤمن الملك بی الف و راه است و مطلع آن این بیت میباشد :

قد من چو دوزلف بنخم دوست بنخم

دل من شد چو دو چشم دژم دوست دژم

و با آنکه هدایت درد « مجمع الفصحاء » ذیل حالات صابر ترمذی و در « مدارج البلاغه » زیر عنوان حذف تصریح بحذف الف و راه از این قصیده کرده و شاعر خود نیز در بیت آخر قصیده التزام خویش را بیان نموده است معذالک مرحوم علی قویم در هنگام چاپ دیوان ادیب صابر متوجه این صنعت نگردیده و آنرا مانند بقیه کتاب از نسخه منقوطة بیچاپ رسانیده که کلمات متعددی در آن دیده می شوند که دارای حرفهای الف و راه میباشد ، قصیده شهاب الدین ممهره ( یامتره ) که در باب یازدهم کتاب « مونس الاحرار » با این مطلع نقل شده است :

منه به برک سمن بیش توده عبهر

ز مفاک کرد گل نسترن مکش عنبر

محدوف الالف است و از اینگونه قصائد در دواوین همراه سلف مخصوصاً همراه فارسی زبان قرنهای ششم و هفتم هجری که توجه زیاد بصنایع لفظی بدیع داشته اند فراوان دیده می شود و از این کار دشوار تر حذف حروف نقطه دار یابی نقطه از نظم و نثر است ، حریری درد مقامات ، دو خطبه انشاء کرده است که هر

دوعاری از حروف نقطه دار میباشند و نشاط اسفهان‌نی نیز چنین خطبه‌ای دارد که در «گنجینه» او مندرج است.

برخی از فضلا کارتکلف را در این صنعت بجای رسانیده‌اند که در کتب علمی وقتی هم که بایستی اهتمام مؤلف مقصود به تفهیم و تفهم مطلب باشد بهتر نمایی پرداخته‌اند چنانکه کتاب «اس‌الاول» را یکی از علماء شیعه در علم اصول فقه بی نقطه نوشته و فیضی دکنی دو کتاب «موارد الکلم» و «سواطع الالهام» را در تفسیر قرآن بدون نقطه تألیف کرده است. یکی از شعراء زمان در وصف سواطع الالهام گفته بوده است:

زین خرده چه خرده‌ها که نایاب شدند

ذرات در این شعله سیباب شدند

از پرده لفظ حسن معنی بدمید

خورشید بسر آمد اختران آب شدند

در این صنعت علاوه بر آنچه گفته شد از نظام عربی ابیات از باب بدیعیات و قطعات حریری در مقامات، و نظم سید علیخان در «انوار الریبع» و قصیده هشتاد و دویتی عبدالله طیلادانی و از نظم فارسی قصاد مجیر بیلقانی و شرف‌الدین فضل‌الله قزوینی و هدایت همه مشهور هستند و در کتب فن بدیع بنازی و فارسی نقل شده‌اند و گفتیم که گروهی التزام کرده‌اند حروف نقطه‌دار را در نظم و نثر خود بکار برند از جمله اینگونه آثار در عربی قطعه معروف «فتنتی الخ» حریری در مقامات میباشد که علاوه بر آوردن حروف نقطه‌دار رعایت حروف متصله را هم در آن کرده است و در فارسی یک بند از ترکیب بند حسن متکلم مرکب از حروف نقطه دار میباشد و هدایت در «مدارج البلاغه» زیر عنوان «منقوطة» باین بیت استشهد کرده است:

زیب جشنو، پشت جیشی زین زین

بخت تختی تخت بخشى پیش بین

موضوعی که در اینجا قابل بحث می‌باشد و ما بجهت خودداری از اطاله کلام از ذکر آن درمیگذریم شناختن حروف نقطه‌دار و بی نقطه در صورت اتصال و انفصال است که در رسم الخط عربی و فارسی اختلافاتی دارند و همچنین در عربی میانه نویسندگان قدیم مشرق زمین و اهالی اندلس بچند حرف از حروف الفبا اختلافاتی بوده است که آیا نقطه‌های آنها در صورت اتصال یا انفصال نوشته میشده‌اند یا نه؟ و در صورت نوشتن آیا نقطه‌ها در زیر حروف گزارد شده‌اند یا در بالا و این موضوع مخصوصاً بکار کسانی می‌آید که باقرات نسخه‌های کتب قدیمه عربی و فارسی سروکار دارند، یادآوری این نکته بدان منظور است که اگر مشاهده میکنیم در خطبه مقامه سمرقندیه حریری چند تاه تأویث را جزء حروف مهمله آورده بدین عمل است که در رسم الخط جاری در عصر او اینگونه تاه‌ها

را بدون نقطه مینوشته‌اند و مطرزی هم تصریح کرده است که نصی برای نقطه - گزاری آنها وجود ندارد و برای حرف « یاء » تنها یا آخر کلمه باصطلاح مشارقه دو نقطه در زیر و مناربه دو نقطه در میان دایره یاء می‌گزارده‌اند و بنا بر این جزء حروف منقوطة محسوب میشده است و بهمین سبب در نقطه حریری بصری وتر کیب بند حسن متکلم و دیگران که بفارسی مبنی بر اتیان حروف مهمله می - باشند یاء تنها و آخر کلمه جزء آنها بحساب نیامده است .

نام هنر نمایه‌های ادبی را میتوان بازی ارباب ادب با الفاظ نهاد زیر ا گاه بی‌تی گفته‌اند که تمام حروف متصله را در آن بکار برده‌اند و در نوشتن به - صورت اره‌ای در آمده است و گاه بی‌تی گفته‌اند که تمام کلمات آن مرکب از حروف منفصله میباشد ، زمانی ایاتی گفته‌اند که بیت اول همه يك حرفی و بیت دوم جمله دو حرفی و بیت سوم تمام کلماتش سه حرفی و بیت چهارم همه چهار حرفی و بیت پنجم جمله پنج حرفی است و در این رباعی که هدایت زیر عنوان مقطوع از مدارج البلاغه ، آورده مصراع اول مرکب از کلماتی است که حروف آنها يك حرفی و دومی دو حرفی و سومی سه حرفی و چهارمی چهار حرفی منصل نوشته میشود :

ای در دل آذر زده از رخ آذر مانی بر مرکز خط تو چاکر

عنبر شکن جمعد کجک کلک قضا مشکل بکشد بشکل عنبر چنین

و صنعت منقوب را بچند صورت آورده‌اند و مستوی آن گاه بحر و فاست و گاه بکلمات و قسمتی از نظم و نثر حریری را در مقدمه شانزدهم بحر و فاست در مقامه هفدهم بکلمات باز گونه میتوان خواند ، حمیدی در مقامه پنجم مقامات خود مینویسد : هیچکس در پارسی مصرعی بیش در منقوب نگفته است و من از تریک قریحت و تحریک طبیعت يك بیت تمام آورده‌ام و در دیگری توقف کرده‌ام تا کی اتفاق افتد ، ظاهراً این اتفاق برای قاضی حمیدالدین رخ نداده ولی برای حسن متکلم رخ داده که توانسته يك بند از ترکیب بند خود را در منقوب مستوی بگوید و آن شش بیت می‌باشد .

یکی دیگر از بازیهای ارباب ادب با الفاظ که متأخرین آنرا صنعت ذولفتین نامیده‌اند همانست که نمونه آن در مقامه پنجم مقامات حمیدی آمده است و مؤلف گفته : بی‌تی بتازی بنویسی بی‌عجم و اعراب و دیگری هم بفارسی در پهلوی او به فارسی بر آن وزن و میزان چون بر خوانی هر دو یکی باشد و آن تازی پارسی و آن پارسی تازی بر توان خواند .

چون بی‌تی را که قاضی حمیدالدین بعنوان مثال آورده فاقد معنی روشن بوده یا در نسخه‌های مقامات طی قرون و اعصار دستخوش تصرفات کتاب گردیده است مصحح فاضل کتاب چاپ اصفهان بیت سلمان ساوجی را در پاوردی صفحه ۴۲ بعنوان مثال ذکر نموده و آن اینست :

باد جنانی جان بهاری      آب روانی سد قراری

و این بیت فارسی را میتوانیم عربی هم بخوانیم باین صورت که کلمات « باد ، و جان ، و آب ، و دروا ، و سد ، را همه بصورت فعل ماضی در آوریم و پناه‌های خطاب را یاء متکلم بدانیم .

امیر خسرو دهلوی این هنر را بشکل دیگری ابراز داشته و با رد و بدل و جا بجا نمودن نقطه‌ها بیت را بدو زبان در آورده چنانکه گفته است :

رسیدی بدیدی مرا ، دی بخانی      زمانی بیاشی ، بیاری بشایی  
فارسی بودن این بیت آشکار است اما اگر نقطه‌های آنرا تبدیل کنیم در عربی باین شکل مبدل میشود :

رشیدی ، ندیدی ، مرادی ، نجاتی      زمانی بیاشی تباری نسائی  
همین شاعر در صنعت قلب هنر دیگری بکار برده که حقا دشوار است زیرا کلماتی در بیت انتخاب کرده که فارسی هستند ولی مقلوب آنها عربی می‌باشد و هنر دیگری باز ابراز داشته که اگر دشوار تر از این کار نباشد آسانتر نیست و آن اینست که ایات و عباراتی بفارسی نوشته که دارای معنای روشن و خاصی هستند ولی هر کلمه آن با کلمه بعدی بزبان دیگر ترجمه شده است بدون اینکه بر حسب ظاهر قصد شاعر معلوم باشد ، نمونه‌هایی از این هنر نمایه‌ها را شبلی نعمانی در جلد دوم « شعر المعجم » ضمن شرح حال امیر خسرو ذکر کرده است و من کتاب « اعجاز خسروی » او را ندیده‌ام اما چنانکه شبلی نوشته این کتاب او در باره همین هنر نمایه‌ها تألیف و تصنیف شده است و قسمتی از آنها از مختصات امیر - خسرو می‌باشد .

( ادامه دارد )

### آتشکده‌های بزرگ

در ایران هفت آتشکده بزرگه و معروف بود . اول آتشکده آذربادگان دوم آتشکده آذرنبوش . سوم آتشکده آذربهرام . چهارم را آذر آئین می - خواندند . پنجم آذر خرداد . ششم به آذر برزین موسوم بوده . هفتم آتشکده آذر زردشت است که گویند آنرا خود زردشت در نو بهار که محلی است از ولایت بلخ بامیان بنیاد کرد .

( نقل از مجموعه خطی حکایات و مطالب متفرقه )